

نقش عملیات بانکی در نظام اسلامی در اهداف رشد و توسعه

جناب آقای بیژن لطیف

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س)

بسمه تعالی

مقدمه: بانکها با قبول سپرده‌های مردم نقش گسترده‌ای در جمع‌آوری پول در دست اشخاص دارند. ولیکن مهمتر از این، وظیفه به جریان انداختن منابع پولی (حجم پول جمع‌آوری شده و به عبارتی وسیع‌تر نقدینگی در اختیار گرفته شده) را عهده‌دار می‌باشند. چنانچه تخصیص و به جریان انداختن این حجم نقدینگی به صورت مطلوب صورت گیرد موجبات رشد و توسعه اقتصادی کشور را فراهم آورده و آثار تورمی قابل ملاحظه‌ای نیز نخواهد داشت. اما چنانچه تخصیص و توزیع و به کارگیری نقدینگی جذب شده به صورت مطلوب و بهینه نباشد مطمئناً آثار سوء آن به صورت تورم بروز خواهد نمود.

۱ - ماهیت و عملکرد شبکه بانکی و اثر آن بر تورم

با توجه به نظریه‌های مقداری پول اثر حجم پول به صورت اسکناس و سپرده دیداری بر قیمت‌ها از طریق معادله فیشر قابل تعقیب می‌باشد.

$M =$ حجم اسکناس $\bar{M} =$ حجم سپرده دیداری

$V =$ سرعت گردش اسکناس $\bar{V} =$ سرعت گردش سپرده دیداری

$P =$ سطح قیمت‌ها $T =$ حجم معادلات

$$MV + \bar{M}\bar{V} = PT = \sum_{i=1}^n P_i Q_i$$

لازم به ذکر است که تغییرات هر یک از اجزاء سمت چپ معادله بالا بر تغییرات قیمت موثر خواهد بود، مشروط بر اینکه تولدات تغییرات لازم را نداشته باشد. از سوی دیگر تغییرات حجم پول یا به عبارتی عرضه پول تابعی از ضریب عرضه پول و پول پر قدرت یا پایه پولی می باشد یعنی:

$$M_s = m \cdot B \quad (2)$$

که در عرضه پول سه رفتار عمده دخالت دارد:

۱- بانک مرکزی

۲- بانک تجاری

۳- مردم

حال این سوال پیش می آید که بانکها تا چه اندازه در عرضه پول نقش دارند و اگر نقش گسترده ای می توانند داشته باشند، اثر آن بر رشد و توسعه اقتصاد و همچنین بر سطح قیمت ها چگونه می باشد که موضوع بحث اصلی این مقاله است. برای پاسخ به این سؤال و وارد شدن به بحث ابتدا تفاوت دو نظام بانکداری اسلامی و غیراسلامی مورد توجه قرار داده می شود.

در نظام بانکداری ربوی (غیراسلامی) بانکها با قبول سپرده های دیداری و غیردیداری به تخصیص منابع پولی به سه طریق می پردازند. اعطای وام، گشایش اعتبار در حساب جاری و انجام تنزیل. گرچه تا حدودی در اعطای وام و نحوه مصرف آن کنترل وجود دارد ولی در دو عمل دیگر امکان کنترل نحوه مصرف منابع پولی برای بانک نسبتاً محدود است. به عبارت دیگر در نظام بانکداری ربوی بانک با انجام عمل وساطت، بین سپرده گذاران و استفاده کنندگان از منابع پولی فقط یک واسطه است بدون این که مشارکتی در امر استفاده از آن داشته باشد و لزوماً برگشت اصل و فرع پول برای بانک کفایت می کند. در این نظام به غیر از استفاده از تفاوت بهره دریافتی و پرداختی، بانک عمدتاً از خلق پول بهره می گیرد. بدین لحاظ حجم سپرده دیداری به جریان انداخته شده بر اثر یک مقدار مشخص سپرده گذاری شده از رابطه زیر بدست می آید.

$$D = \frac{1}{\alpha + rd + re + k_t \cdot r_t} \Delta D_1 \quad (3)$$

که ΔD_1 اولین سپرده گذاری، $\alpha = \frac{C}{D}$ میل به کارگیری اسکناس r_t ، r_t نرخ های ذخیره قانونی برای سپرده های دیداری و غیردیداری، K نسبت سپرده غیردیداری به دیداری و re نسبت ذخایر احتیاطی می باشد. و به طریق مشابه تغییرات حجم ΔM از رابطه (۴)

$$M = \frac{1 + \alpha}{\alpha + rd + re + k_t \cdot r_t} \Delta D_1 \quad (4)$$

تحت این شرایط تغییرات حجم پول به گردش افتاده توسط شبکه بانکی (ΔM) لزوماً متناسب و متناظر تولید (ΔQ) نمی باشد و غالباً $\Delta M > \Delta Q$ است. لذا در چنین حالتی غالباً تورم ناشی از

عوامل پولی وجود خواهد داشت.

ولی در نظام بانکداری بدون ربا در صورت عملکرد مطلوب و بر اساس موازین شرعی، حجم پول نمی‌تواند به صورتی که عنوان شد از بانک خارج شود. اگرچه در جمع‌آوری و جذب سپرده بین دو نظام در مورد سپرده دیداری تشابهاتی وجود دارد، ولی در جذب سپرده‌های غیردیداری نحوه عملکرد کاملاً متفاوت می‌باشد. اما به عنوان مهمترین وجه تمایز دو نظام بانکی باید به تخصیص منابع پولی اشاره نمود. در بانکداری بدون ربا برای اعطای تسهیلات لزوماً بایستی یکی از عقود اسلامی بکار گرفته شود. در چنین شرایطی پولی از بانک خارج نمی‌شود مگر اینکه به صورت مشخصی در عملیات اقتصادی مشارکت داشته و سهم باشد. در حقیقت بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران و به وکالت از طرف آنان در فعالیتهای اقتصادی مشارکت می‌کند و لذا صرفاً واسطه‌گر نمی‌باشد. بنابراین در بانکداری بدون ربا بین تغییرات حجم پول ΔM و تغییرات تولیدات ΔQ ارتباط و هم‌آهنگی وجود خواهد داشت که موجب به حداقل رسیدن تورم ناشی از عوامل پولی می‌گردد.

۲ - بیان تئوریک اختلافات دو نظام

با مروری بر جنبه‌های تئوریک بانکداری ربوی می‌دانیم که تقاضای پول تابعی از نرخ بهره و سطح درآمد می‌باشد. (نظریه کینز)

$$md = F(y, r) \quad (5)$$

گرچه با مشارکت اقتصاددانان دیگر نظیر ملتزر، برونر... فریدمن متغیرهای دیگری نیز معرفی شده‌اند ولی عمدتاً تقاضای پول تابعی از نرخ بهره در نظر گرفته می‌شود که در اقتصاد بانکداری اسلامی مورد قبول و تاکید نمی‌تواند باشد.

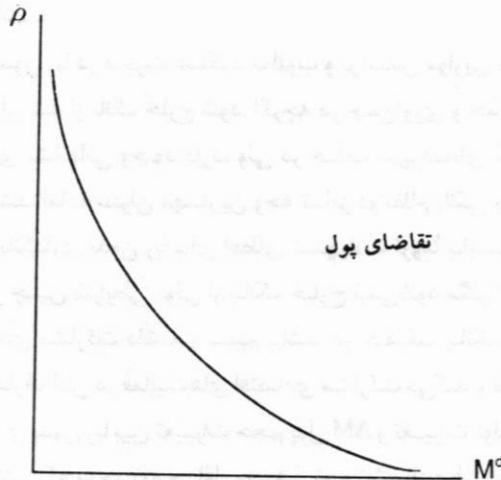
در خصوص عرضه پول باید گفت که در نظام بانکداری بدون ربا عرضه پول تابعی از ضرب (m) و پایه پولی B در نظر گرفته می‌شود.

چنانکه ملاحظه می‌شود در این نظام تقاضای پول عمدتاً تابعی از نرخ بهره که آن نیز به عنوان یک ابزار سیاست‌های پولی بکار گرفته می‌شود می‌باشد و عرضه پول نیز به صورت عامل و متغیری برون‌زا معرفی می‌شود، که از محل برخورد منحنی‌های عرضه و تقاضای پول، مکان هندسی نقاط تعادل پول یعنی LM بدست می‌آید.

در صورتی که در بانکداری اسلامی تقاضای پول را می‌توان تابعی از نرخ داخلی بازدهی سرمایه و سطح درآمد در نظر گرفت.

$$M^d = F(\rho, \gamma) \quad (6)$$

$$\frac{dM^d}{d\rho} < 0 \quad \frac{dM^d}{d\gamma} > 0$$



همچنین باید اضافه کرد در بانکداری بدون ربا پول سرمایه تلقی نمی‌شود و تا وقتی که با عوامل دیگر تولید نظیر نیروی کار ترکیب نشود نمی‌تواند منشأ سود باشد. لذا عرضه پول را نیز باید تابعی از نرخ داخلی بازدهی سرمایه در نظر گرفت، که می‌تواند به صورت متغیری درون‌زا در نظام بانکداری بدون ربا مورد استفاده قرار گیرد. بدین ترتیب چنانچه نرخ بازدهی سرمایه افزایش داشته باشد، برای بانک‌ها مطلوب خواهد بود که به عرضه پول بپردازند و از مشارکت در فعالیت‌های با بازدهی بالا سود ببرند، البته بدیهی است که تحت این شرایط سود صاحبان سپرده نیز افزایش خواهد یافت.

بدین لحاظ در بانکداری اسلامی نمی‌توان درصدی به عنوان سود منظور نمود. بلکه باید سهم و نسبت از سود بین بانک و مشتری برای اعطای تسهیلات مشخص شود و سود پس از مدت معین و پایان معاملات بین دو طرف تقسیم شود. و به تبع سود صاحبان سپرده در آغاز مشخص خواهد بود گرچه سود مورد انتظار بر اساس عملکرد سال‌های قبل می‌تواند معیاری برای تصمیم‌گیری در سپرده‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد.

۳ - نقش بانکداری اسلامی در فعالیت‌های اقتصادی

با توجه به نکاتی که ذکر گردید نرخ داخلی بازدهی سرمایه به صورت یک متغیر برون‌زا در نظام بانکداری اسلامی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. چرا که در شرایط رونق اقتصادی نرخ داخلی بازدهی سرمایه بالا خواهد بود. لذا مردم و بانک‌ها تمایل به عرضه پول برای سرمایه‌گذاری و تولید خواهند داشت. بنابراین در اینجاست تقاضای پول نسبت به عرضه پول کمتر می‌شود. ولی اگر اقتصاد در شرایط رکودی باشد نرخ داخلی بازدهی سرمایه کاهش یافته و بدین ترتیب سرمایه‌گذاری و عرضه

پول مطلوب نخواهد بود.

* اگر عمر یک پروژه n و هزینه سرمایه گذاری C و درآمد سالیانه Rt باشد نرخ داخلی بازدهی سرمایه P از رابطه زیر قابل محاسبه خواهد بود.

$$\sum_{t=1}^n \frac{Rt}{(1+f)^t} - C = 0$$

با توجه به این که Rt می تواند حاصل ضرب قیمت (P) در مقدار (Q) تلقی شود لذا با افزایش قیمت و مقدار مورد تقاضا و یا هر دو تمایل به سرمایه گذاری بیشتر خواهد شد.

اگر نرخ داخلی بازدهی سرمایه را به عنوان معیاری برای سرمایه گذاری در نظر بگیریم، سود صاحبان سپرده در پایان دوره بر اساس سود واقعی کسب شده و قابل تقسیم خواهد بود. در چنین شرایطی رابطه زیر می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

اگر سود قابل تقسیم بین سپرده گذاران A فرض شود.

و مدت سپرده گذار i در مقاطع مختلف t_{ij} در نظر گرفته شود و سهم یا مبلغ سپرده فرد i در مقاطع زمانی مختلف مبلغ TD_{ij} باشد (حساب سرمایه گذاری یا سپرده سرمایه گذاری)

$$S = \frac{A}{\sum_{i=1}^m \sum_{j=1}^n TD_{ij} T_{ij}}$$

سود مورد نظر نفر i

$$B_i = S \cdot \sum_{j=1}^n TD_{ij} t_{ij}$$

$$A = \sum_{i=1}^m B_i$$

کل سود قابل تقسیم

این سود در پایان هر سال قابل تقسیم بین صاحبان سپرده خواهد بود که می تواند بیشتر یا کمتر از سود علی الحساب باشد. بانکداران در نظام بانکداری اسلامی در این باید کوشا باشند که سود علی الحساب به صورت شایسته تری تخمین زده شود. بنابراین با اجرای عملیات بانکی و تقسیم سود بر اساس عملکرد واقعی آن، بعید به نظر می رسد که سود بانکها برای سپرده گذاران عیناً باندازه هم گردد که این تفاوت سود پرداختی به سپرده گذاران می تواند در ایجاد رقابت بین بانکها سهم بسزائی داشته باشد و موجب تحرک بیشتر چه در امر جذب سپرده ها و بالتبع در اعطای تسهیلات گردد. با توجه به مطالب ذکر شده مشخص می شود که عرضه پول به جای اینکه به صورت برونزا در نظر گرفته شود، به صورت عاملی درونزا مورد عمل واقع خواهد شد.

در صورتی که نرخ اعطای تسهیلات با نرخ تورم سنجیده شود، با افزایش نرخ تورم، چنانچه اعطای تسهیلات، بدون توجه به نرخ بازدهی داخلی سرمایه صورت گیرد، در شرایطی که این نرخ بالا نباشد، تقاضایی برای دریافت تسهیلات وجود نخواهد داشت. حال اگر فرض را بر این بگذاریم که

تسهیلات از بانک گرفته شود به علت بالا بودن غیرمنطقی نرخ سود تسهیلات، قیمت تمام شده کالاها و خدمات افزایش یافته و بالتبع موجبات افزایش قیمت‌ها را فراهم می‌آورد، که این امر خود به تورم موجود دامن خواهد زد.

بنابراین از سوی شبکه بانکی تنها جذب سپرده‌ها و نقدینگی کافی نیست، بلکه هدایت و بکاراندازی این نقدینگی در مسیرهای تولیدی و در فعالیتهایی که بازدهی بیشتر دارند باید مورد توجه قرار گیرد. (بدیهی است که در بلندمدت در شرایط اقتصادی با رقابت کامل باید نرخ داخلی بازدهی سرمایه در فعالیتهای مختلف نزدیکتر هم باشند.)

اهمیت این مطلب از میزان نقدینگی و سپرده‌های در اختیار بانک‌ها مشخص می‌شود. طی سالیان اخیر بانک‌ها توانسته‌اند در جذب سپرده‌ها و نقدینگی توفیق داشته باشند که موجب خوشحالی و قابل تقدیر می‌باشد. ولی اگر در اعطای تسهیلات بانکی و تخصیص این منابع دقت کافی به عمل نیاید زمینه‌های لازم جهت بروز تورم بیشتر ایجاد می‌گردد. نکته مهم این است که متناسب با افزایش حجم پول و نقدینگی، حجم فعالیتهای اقتصادی و تولیدات نیز افزایش یابد. اگر چنین باشد و اگر تولیدات افزایش داشته باشند حجم نقدینگی و حجم پول نیز می‌بایست افزایش داشته باشد. در غیر اینصورت تورم امری غیرقابل اجتناب خواهد بود. توجه به آمار حجم پول و نقدینگی موبد این است که در سالهای گذشته حجم پول و نقدینگی مرتب رو به افزایش بوده است و متأسفانه قیمت‌ها نیز شدیداً تحت تاثیر حجم پول و نقدینگی بوده است.

در این راستا اگر به روند حجم پول و نقدینگی توجه شود و با روند تولید ناخالص ملی مقایسه گردد، مشخص می‌شود که طی سالیان گذشته حجم پول و همچنین نقدینگی با آهنگی بسیار سریع‌تر از تولید ناخالص ملی افزایش داشته است. به عنوان مثال در سال ۱۳۴۹ که حجم پول ۹۷/۴ میلیارد ریال و حجم نقدینگی ۲۳۵/۷ میلیارد ریال بوده است. تولید ناخالص ملی حدود ۸۰۱ میلیارد ریال یعنی نزدیک به دو برابر حجم پول برآورد شده است.

ولی در سال ۱۳۶۰ حجم پول و نقدینگی به ترتیب ۲۷۰۷ میلیارد ریال و ۵۲۳۶ میلیارد ریال و مقدار تولید ناخالص ملی ۸۳۵۵ میلیارد ریال بوده است.

و بالاخره در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۱ ارقام فوق به صورت زیر بوده است:

سال ۱۳۶۵ - حجم پول ۵۸۱۱ میلیارد ریال و میزان نقدینگی ۱۰۷۲۲/۶ میلیارد ریال و تولید ناخالص ملی ۱۸۱۰۶/۸ میلیارد ریال.

سال ۱۳۷۱ - حجم پول ۱۶۳۶۸/۶ میلیارد ریال و میزان نقدینگی ۳۵۸۶۶ میلیارد ریال و تولید ناخالص ملی ۶۸۰۴۶ میلیارد ریال

ملاحظه می‌گردد که حجم پول، میزان نقدینگی و تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۷۱ نسبت به سال ۱۳۴۹ به ترتیب از رشدی برابر با ۱۶۷۰۵/۵ درصد، ۱۵۱۱۶/۸ درصد و ۸۳۹۵/۱ درصد برخوردار شده‌اند.

هم چنین اگر با اعداد ثابت روند تولید ناخالص ملی سنجیده شود. مشخصاً این نکته محرز

می‌گردد که در پاره‌ای از سالها علیرغم افزایش حجم پول و نقدینگی نه تنها در تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت افزایش رخ نداده، بلکه کاهش نیز داشته است. در چنین شرایطی تورم امری بد خواهد بود. بدین لحاظ اگر شاخص قیمت‌ها با حجم پول و نقدینگی مقایسه شود با توجه به محاسبات انجام شده مشخص می‌شود که شاخص قیمت‌ها به صورت کاملاً مشخصی از افزایش حجم پول و قیمت‌ها تبعیت می‌جسته است.

معادلات تخمین زده شده در ذیل می‌تواند موید این ادعا باشد:

تحت عنوان دو مدل جداگانه شاخص قیمت‌ها با نقدینگی بخش خصوصی و حجم پول و اسکناس و مسکوک ربط داده شده و با استفاده از ارقام مربوط به متغیرهای مزبور در فاصله سالهای ۷۱ - ۱۳۴۹ بر اساس روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده شده‌اند. بنابراین ابتدا به مقادیر متغیرها اشاره می‌شود و سپس معادلات مورد بررسی قرار می‌گیرند.

واحد: (میلیارد ریال)

obs	M1	M2	L	CPI
1349	97.40000	138.3000	235.7000	14.60000
1350	117.0000	179.3000	296.3000	15.20000
1351	158.7000	241.3000	400.0000	16.10000
1352	202.7000	315.3000	518.0000	17.70000
1353	327.2000	488.5000	815.7000	20.30000
1354	446.5000	710.0000	1156.500	22.90000
1355	611.2000	1015.100	1626.300	25.40000
1356	790.5000	1349.000	2139.500	32.40000
1357	1236.500	1342.100	2578.600	36.20000
1358	1665.800	1884.200	3550.000	40.00000
1359	2203.300	2134.500	4337.800	48.20000
1360	2707.500	2528.600	5236.100	59.90000
1361	3483.900	2946.800	6430.700	71.10000
1362	3869.600	3644.800	7514.400	85.10000
1363	4557.600	3409.300	7966.900	95.80000
1364	4923.600	4078.500	9002.100	100.00000
1365	5811.000	4911.600	10722.60	118.40000
1366	6776.800	5891.400	12668.20	152.30000
1367	7758.100	7929.500	15687.60	195.90000
1368	8987.200	9766.100	18753.30	239.70000
1369	11195.20	11774.30	22969.50	258.00000
1370	13640.80	14987.60	28628.40	302.20000
1371	16368.60	19497.40	35866.00	371.50000

ماخذ: - بانک مرکزی ج. ا. ایران - گزارشات اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف.

- خلاصه تحولات اقتصادی کشور - ۱۳۷۱

مدل اول:

$$CPI = ۷/۳۴ + ۰/۰۲۲M1 \quad R^2 = ۰/۹۸۷ \quad T = ۴۱/۳۱$$

$$S.E \quad ۳/۳۳ \quad ۰/۰۰۰۵ \quad F = ۱۷۰۹/۶ \quad D.W = ۰/۷۷۸$$

CPI شاخص قیمت‌های خرده‌فروشی و M1 حجم پول است که شامل اسکناس، مسکوک و سپرده‌های دیداری است.

مدل دوم:

$$CPI = ۱۰/۵۵ + ۰/۰۱۰L \quad R^2 = ۰/۹۹۱ \quad T = ۴۷/۲$$

$$S.E \quad ۲/۸۷ \quad ۰/۰۰۰۲ \quad F = ۲۲۲۸/۴ \quad D.W = ۰/۷۱۲$$

L حجم نقدینگی بخش خصوصی است.

مقدار R^2 در دو معادله فوق مبین این مطلب است که در معادلات مورد نظر، رگرسیون دارای قابلیت توضیح تغییرات شاخص قیمت‌ها و مالا تغییرات متغیر مستقل است. هم چنین با توجه به مقدار عددی آزمون T مشخص می‌شود که حضور متغیر M1 در مدل اول و L در مدل دوم توجیه‌پذیر می‌باشد.

از مقایسه دو معادله فوق‌الذکر این موضوع محرز می‌گردد که حجم پول تاثیر تورم‌زایی بیشتری نسبت به نقدینگی بخش خصوصی دارد. به طوری که از مدل اول استنباط می‌شود، یک واحد یا در اینجا یک میلیارد ریال افزایش در حجم پول موجب افزایش شاخص قیمت‌ها به میزان ۰/۰۲۲ واحد می‌گردد. در حالی که یک واحد افزایش در نقدینگی بخش خصوصی موجب افزایش شاخص قیمت‌ها به میزان ۰/۰۱۰ واحد می‌شود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افزایش در حجم پول به طور مستقیم و با سرعت بیشتری نسبت به افزایش در میزان نقدینگی، موجب افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات شده و نهایتاً منجر به تورم می‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

در پایان می‌توان نتیجه‌گیری نمود که اگر عرضه پول و تغییرات حجم پول متناسب با فعالیت‌های اقتصادی نباشد، بروز تورم امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. لذا به نظر می‌رسد اگر در سیستم بانکداری فعلی کشور به جای اینکه نرخ سود سپرده‌ها با نرخ تورم مورد ارزیابی قرار گیرد، نرخ سود با نرخ بازدهی داخلی سرمایه‌سنجیده شود، بتوان از گسترش دامنه تورم جلوگیری به عمل آورد. گرچه این رانیز نباید از نظر دور داشت که در شرایطی که نرخ بازدهی سرمایه در تولیدات برابر با میزان نرخ سود

مورد انتظار نباشد، اعتبارات اعطایی بانکی به سمت سرمایه‌گذاری تولید سوق داده نخواهد شد و یا چنانچه در این جهت تسهیلات اعطاء گردد، به لحاظ بالا بودن نرخ سود، قیمت تمام شده کالاها و خدمات افزایش یافته و لذا زمینه لازم برای افزایش قیمت‌ها ایجاد خواهد شد. لیکن با در نظر گرفتن این امر چنانچه نرخ سود سپرده‌ها با نرخ بازدهی داخلی سرمایه مقایسه گردد، می‌توان سود صاحبان سپرده را پس از تعیین میزان سود واقعی در پایان سال مشخص نمود و تقسیم کرد.

در عین حال درصد یا سهم‌الشرکه بانک‌ها در عملیات مختلف می‌تواند به عنوان ابزاری برای سیاست‌گذاری تعیین شود (نه نرخ سود مورد انتظار که در حال حاضر توسط بانک‌ها اعمال می‌شود) بدین صورت که فرضاً اگر هدف این باشد که فعالیتی در بخشی رونق بگیرد بانک از اعطای تسهیلات به مقدار مشخصی مثلاً یک میلیون تومان می‌تواند برای یک سرمایه‌گذاری ۳ میلیونی به عنوان سهم‌الشرکه خود، ۳۰ درصد از کل سود پایان عملیات را در نظر بگیرد. و در صورتی که فرضاً برای فعالیتی که به اندازه اولی مطلوب و مفید نباشد به همان مقدار سرمایه مورد نیاز و اعطای تسهیلات سهم سود خود را مثلاً می‌تواند ۲۵ درصد از کل سود در پایان دوره مد نظر بگیرد و در قرارداد قید نماید.

همچنین برای تشویق فعالیت‌های بخشی و منطقه‌ای نیز این سیاست قابل اجراء می‌باشد. بدین ترتیب که بانک برای مشارکت در یک فعالیت با سرمایه‌گذاری مشخص و مقدار تسهیلات مساوی در منطقه‌ای محروم می‌تواند سهم کمتری از کل سود برای خود منظور نماید و در منطقه توسعه یافته به نسبت سهم‌الشرکه‌ای بیشتر از کل سود پایان عملیات را طلب نماید و در قرارداد قید نماید.

نکته آخر اینکه برای اجرای صحیح بانکداری اسلامی نیاز به دگرگونی بافت و ساختار شبکه بانکی می‌باشد تا بتوان بر اساس موازین شرعی و قانون بانکداری بدون ربا که از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته و واقعاً قانون بدون نقصی می‌باشد، توفیق لازم را کسب نمود. بدیهی است امر آموزش نیز همراه با ساختار مناسب نظام بانکداری از اهمیت والایی برخوردار است. در این صورت می‌توان انتظار داشت که با اعمال و اجرای عملیات بانکداری اسلامی بر اساس موازین شرعی و قانون بانکداری بدون ربا تورم ناشی از عوامل پول به حداقل خود برسد.

والسلام

منابع

- اقتصاد ما شهید آیت ا. صدر
- ترازنامه سالیانه و گزارشات اقتصادی برای سالهای مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون عملیات بانکداری بدون ربا بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- تبیین پولی تورم در اقتصاد ایران و امکان‌پذیری حصول اهداف برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دکتر اکبر کمیجانی، دکتر بیژن بیدآباد، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی.
- پول و بانکداری در دو نظام ربوی و غیرربوی دکتر ایرج توتونچیان - بیژن لطیف
- مقایسه اجمالی بین هزینه‌های فرصت سرمایه در سیستم‌های ربوی و غیرربوی دکتر ایرج توتونچیان
- مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران شماره ۴۰
- مبانی تقاضای پول در نظام اقتصادی اسلامی بیژن لطیف مجله علمی پژوهشی دانشگاه الزهراء (س) شماره ۲ بهار ۱۳۶۹
- مبانی پول و بانکداری تالیف هارلن ام اسمیت. ترجمه دکتر نصرا. وقار مرکز آموزش بانکداری
- عملکرد نامطلوب طرح‌های عمرانی و مسئولیت دولت و مجلس شورای اسلامی دکتر علینقی
- مشایخی مجله برنامه و توسعه دوره ۲ شماره ۳ موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- عوامل تعیین‌کننده عرضه پول در ایران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- اقتصاد کلان (اصول نظری و کاربرد آن) دکتر محمد طیبیان وزارت برنامه و بودجه.
- Branson W.H. Macroeconomics Theory and Policy Harper and Row
- Brigham and Gapenski, Financial Management, Dryden
- Horvits Paul M, and Ward RICHARD a. MONETARY POLICY AND THE Financial System
- Klein J. Money and the Economy, Harcourt Brace Jovanovich
- Fisher D. Monetary Theory and the Demand for Money, Martin Robertson
- Johnson H.G Monetary Theory and Policy, the American Economic Review June 1962
- Shapiro , E. Understanding Money Harcourt Brace Jovanovich
- Wachtel , P. Macroeconomics Mc Graw Hill
- Weston J.F. Management Finance The Dryden Press